



هم کلاسی
Hamkelasi.ir

اسم‌ها از جهت تعداد، بر سه قسم اند: مفرد و مثنی و جمع.

مفرد: اسمی است که بر یک نفر دلالت می‌کند. مانند: علیّ، المدرسة، البيت، التلميذ، ...

مثنی: اسمی است که بر دو نفر دلالت می‌کند. مانند: کتابان، التلميذتان، ...

جمع: اسمی است که بر بیش از دو نفر دلالت می‌کند. مانند: المؤمنون، الكتب، ...

اسم به دو صورت جمع بسته می‌شود:

۱- جمع مکسر: در این نوع حروف و حرکات اسم مفرد تغییر می‌یابد.

مانند: الكتاب ← الكتب.

العلم ← العلوم.

المدرسة ← المدارس.

۲- جمع سالم: برای این نوع جمع، از «ون» و «ین» در مذکر و از «ات» در مؤنث استفاده می‌شود.

مانند:

المؤمن ← المؤمنون و المؤمنین.

صادق ← صادقون و صادقین.

المؤمنة ← المؤمنات.

برای ساختن اسم مثنی، اسم فرد + «ان»، «ین»

در این مورد فرقی بین اسم مؤنث و مذکر نمی‌باشد.

مثل کتاب + ان ← کتابان

تلمیذه + ین ← تلميذتين

اسم اشاره

برای اشاره به یک شخص یا شیء با توجه به جنس، تعداد و فاصله آن تا اشاره کننده، اسم اشاره‌ی مناسب انتخاب می‌شود.

برای اشاره به نزدیک: هذا (مفرد مذکر)، هذِهِ (مفرد مؤنث)، هُذَانِ و هُذَيْنِ (مثنای مذکر)، هَاتَانِ و هَاتَيْنِ (مثنای مؤنث) و هَؤُلَاءِ (جمع) بکار می‌رود.

برای اشاره به دور: ذَٰلِكَ (مفرد مذکر)، تِلْكَ (مفرد مؤنث)، اولئك (جمع) بکار می‌رود.

مثال: هَذَا كِتَابٌ. هَاتَانِ مَدْرَسَتَانِ. تِلْكَ مُعَلِّمَةٌ. اولئك رِجَالٌ.

فعل ماضی

طریقه‌ی ساخت فعل ماضی

برای ساخت فعل ماضی در هر یک از صیغه‌ها، علامت مربوط به آن صیغه را به اصل (ریشه) فعل می‌افزاییم:

اصل فعل (ریشه) + علامت صیغه ← فعل ماضی

بنابراین، برای ساخت فعل ماضی در صیغه‌ی مورد نظر، باید علامت مربوط به آن صیغه را شناخت.

ضمیر

ضمیر: کلمه‌ای است که به جای «اسم» قرار می‌گیرد و از تکرار آن جلوگیری می‌کند.

مثالاً: هُوَ (او) (مذکر)

هر صیغه دارای ضمیری مختص به خود است.

ضمیر صیغه‌ی مفرد مذکر غایب «هُوَ» است. مانند: هُوَ دَخَلَ فِي الصَّفِّ.

ضمیر صیغه‌ی مفرد مؤنث غایب «هِيَ» است. مانند: هِيَ دَخَلَتْ فِي الصَّفِّ.

صیغه‌ی مفرد مذکر مخاطب:

علامت این صیغه «ت» است.

ذَهَبَ + تَ ← ذَهَبْتَ: رفتی (تو یک مرد)

مثال: هَلْ سَمِعْتَ صَوْتَ الْمَعْلَمِ؟ : آیا صدای معلم را شنیدی؟

صیغه‌ی مفرد مؤنث مخاطب:

علامت این صیغه «تِ» است.

ذَهَبَ + تِ ← ذَهَبْتِ: رفتی (تو یک زن)

مثال: هَلْ خَرَجْتَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟ : آیا از مدرسه خارج شدی؟

ضمیر صیغه مفرد مؤنث مخاطب «أَنْتِ» است. مانند: أَنْتِ فَتَحْتِ الْبَابَ: تو در را باز کردی.

صیغه‌ی مثنای مذکر مخاطب:

علامت این صیغه «تُما» است.

ذَهَبَ + تُما ← ذَهَبْتُما: رفتید (شما دو مرد).

مثال: هَلْ قَرَأْتُما الدَّرْسَ؟ : آیا درس را خواندید؟

صیغه‌ی مثنای مؤنث مخاطب:

علامت صیغه و ضمیر در این صیغه مشابه صیغه مثنای مذکر مخاطب است.

مثال: أَنْتُما شَرَبْتُما الْمَاءَ: شما دو زن آب را نوشیدید.

صیغه‌ی جمع مذکر مخاطب:

علامت این صیغه «تُمْ» است.

ذَهَبَ + تُمْ ← ذَهَبْتُمْ: رفتید (شما چند مرد)

مثال: هَلْ أَخَذْتُمْ الْكِتَابَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟ : آیا از مدرسه کتاب گرفتید؟

صیغه‌ی جمع مؤنث مخاطب:

علامت این صیغه «تُنَّ» است.

ذَهَبَ + تُنَّ ← ذَهَبْتُنَّ: رفتید (شما چند زن)

مثال: هَلْ تَرَكْتُنَّ الدَّرْسَ؟ : آیا درس را رها کردید؟

ضمیر صیغه جمع مؤنث مخاطب «أنتن» است. مانند: أنتن أكلتن الطعام: شما چند زن غذا خوردید.

صیغه متکلم وحده

علامت این صیغه «ت» است.

ذَهَبَ + تٌ ← ذَهَبْتُ: رفتم

مثال: نَظَرْتُ إِلَى الْأَشْجَارِ: به درختان نگاه کردم.

صیغه متکلم مع الغیر

علامت این صیغه «نا» است.

ذَهَبَ + نا ← ذَهَبْنَا: رفتیم.

مثال: رَأَيْنَا الْمَعْلَمَ فِي الشَّارِعِ: معلم را در خیابان دیدیم.

حروف الفبای عربی با فارسی مشترک است فقط در زبان فارسی چهار حرف «پ، چ، ژ، گ» بر آنها افزوده می‌شود.

برای اشاره به نزدیک از کلمات هذا و هذِهِ استفاده می‌شود. که به این کلمات اسم اشاره گفته می‌شود. البته ناگفته نماند که این دو کلمه برای اشاره به مفرد استفاده می‌شود. هذا برای اشاره به مفرد مذکر و هذِهِ برای اشاره به مفرد مؤنث - همان‌طور که در درس اول گفته شد برای تشخیص مذکر به مؤنث بودن کلمه، اگر کلمه‌ی «ة» در آخر داشته باشد اسم مؤنث محسوب می‌شود.

مانند امْرَأَةٌ ، صُورَةٌ هَذَا جِدَارٌ هَذِهِ مَدْرَسَةٌ

اغلب حروف هجاء فارسی و عربی از لحاظ تلفظ فرق چندانی با یکدیگر ندارند. مگر در هشت حرف زیر که تلفظ آنها در زبان فارسی با زبان عربی کاملاً تفاوت دارد.

(ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع)

تلفظ کردن این حروف به صورت غیر صحیح، علاوه بر نادرست بودن، سبب می‌شود که مفهوم کلمات کاملاً تغییر کند، بنابراین لازم است در موقع خواندن نماز و تلاوت قرآن توجه کافی به این مهم داشته باشیم.

در زبان عربی برای سؤال کردن در مورد چیزهای گوناگون از عبارت زیر استفاده می‌شود.

ما هَذَا؟ (برای مذکر)

ما هَذِهِ؟ (برای مؤنث)

«هَلْ» یکی دیگر از کلمات پرسشی است که به معنی آیا می‌باشد و برای پرسشی و سؤال کردن استفاده می‌شود و در

جواب آن نَعَمْ یا لا می‌آید. (بله، خیر)

هَلْ هَذَا جِدَارٌ؟ نَعَمْ هَذَا جِدَارٌ یا لا هَذِهِ حَقِيبَةٌ

هَلْ هَذِهِ صُورَةٌ؟ نَعَمْ هَذِهِ صُورَةٌ یا لا، هَذَا قَلَمٌ

در درس‌های گذشته دانستیم اسم اشاره به نزدیک برای مفرد هَذَا و هَذِهِ بود. در این درس باید بدانیم برای اشاره به دور برای مفرد، برای مذکر از ذَلِكَ و برای مؤنث از کلمه‌ی تِلْكَ استفاده می‌شود.

ذَلِكَ كِتَابٌ تِلْكَ شَجَرَةٌ

یادآوری: هَذِهِ و تِلْكَ همراه با کلماتی می‌آیند که در آخر آن‌ها «ة» باشد.

برای سؤال در مورد اشخاص از کلمه‌ی «مَنْ» استفاده می‌شود.

اگر بخواهیم سؤال کنیم «او کیست؟»

می‌گوییم: مَنْ هُوَ؟ (مذکر) و اگر او مؤنث باشد می‌گوییم مَنْ هِيَ؟

برای سؤال در مورد مکان چیزی یا کسی از کلمه‌ی «أَيْنَ» استفاده می‌شود

مانند: أَيْنَ الطَّالِبُ؟ أَيْنَ الْكِتَابُ؟

برای پاسخ به این سؤال می‌توان از کلمات زیر استفاده کرد:

(أمام، خَلْفَ، تَحْتَ، فَوْقَ، عِنْدَ، فِي و ...)

وقتی می‌خواهیم اسمی بر بیش از دو شخص دلالت کند، به آخر آن «واو و نون» (وَنَّ) یا «یا و نون» (يَنَّ) اضافه

می‌کنیم به این جمع، «جمع مذکر سالم» می‌گوییم. مانند:

عَالِمٌ ← عَالِمُونَ - عَالِمِينَ

مَجْتَهِدٌ ← مَجْتَهِدُونَ - مَجْتَهِدِينَ

اما اگر اسم دارای «ة» باشد (مؤنث) برای جمع بستن از «ات» استفاده می‌کنیم - و حرف «ة» را پس از اضافه کردن

«ات» حذف می‌کنیم به این نوع جمع «جمع مؤنث سالم» می‌گوییم. مثل:

طَبِيبَةٌ ← طَبِيبَاتٌ

كَاتِبَةٌ ← كَاتِبَاتٌ

شَجَرَةٌ ← شَجَرَاتٌ

برای اشاره به چند شخص (سه نفر یا بیشتر) از «هؤلاء» و «اولئك» (این‌ها - آن‌ها) استفاده می‌کنیم. مانند:

هؤلاء معلمون - اولئك معلمون

هؤلاء معلمات - اولئك معلمات

جمع مکسر: بعضی از اسم‌ها با تغییر شکل مفرد آن‌ها جمع بسته می‌شوند که به آن‌ها جمع مکسر گویند.

اشخاص	اشجار	ساجد	مراجع
انبیاء	اولیاء	رجال	نقاط
اهالی	اراضی	امور	علوم
علماء	شهداء	تلامید	تفاسیر
ابواب			
کتب			
اقلام			

اسم از نظر جنس:

مذکر ← به اسم‌هایی که بر مرد - حیوان نر و کلماتی که آخر آنها «ة - ة» ندارد، دلالت دارد.
 مثال: رجل - جمیل - سعید
 مؤنث ← به اسم‌هایی که بر زن - حیوان ماده و کلماتی که آخر آنها «ة - ة» دارد، دلالت دارد.
 مثال: امرأة - عجبیة - مریم - بنت

اسم اشاره:

نزدیک:
 مذکر ← هذا ← هذا رجل
 مؤنث ← هذه ← هذه امرأة
 دور:
 مذکر ← ذلک ← ذلک رجل
 مؤنث ← تلک ← تلک امرأة

اسم از نظر تعداد:

مفرد ← اسمی که بر یک چیز یا یک نفر دلالت دارد و علامت خاصی ندارد.
 مثنی ← اسمی که بر دو چیز یا دو نفر دلالت دارد. (که در درس‌های بعد آشنا می‌شویم)
 جمع ← اسمی که بر بیش از دو چیز یا دو نفر دلالت دارد. (که در درس‌های بعد آشنا می‌شویم)
 حروف هجا یا حروف الفبای عربی مثل فارسی است و فقط چهار حرف «گ چ پ ژ» در عربی وجود ندارد.

مثنی (تثنیه) ← اسمی که برای دو شخص یا دو چیز به کار می‌رود و با اضافه کردن علامت «ان - ین» به آخر اسم مفرد ساخته می‌شود.

مثال: رجل ← رجلا - رجلین
 امرأة ← امرأتان - امرأتین

اسم اشاره نزدیک (مثنی):

مذکر ← هذان - هذین ← هذان رجلا - هذین رجلین
 مؤنث ← هاتان - هاتین ← هاتان امرأتان - هاتین امرأتین

حرکات و علامت‌ها:

ـ فتحة - کسره - ضمه - سکون - تشدید ـ تنوین

جمع ← اسمی که بیش از دو نفر یا دو چیز دلالت دارد.

جمع:

سالم ← اسمی که شکل مفرد آن تغییری نمی کند و فقط به آخر کلمه ی مفرد علامت های جمع اضافه می شود. که به دو قسمت تقسیم می شود.

الف) مذکر: با اضافه کردن علامت «وَنَ - یَنَ» به آخر مفرد مذکر ← معلمونَ - معلمینَ

ب) مؤنث: با اضافه کردن علامت «ات» به آخر مفرد مؤنث ← معلمات

مکسر ← اسمی که شکل مفرد آن تغییر می کند و شکسته می شود و هیچ قانون و قاعده ی خاصی ندارد و اصطلاحاً سماعی است. یعنی در اثر شنیدن و تکرار یاد می گیریم.

* نکته: در هنگام جمع بستن اسم مؤنث علامت «ة - ة» از آخر اسم مفرد حذف می شود، بعد علامت «ات» اضافه می شود. معلمة ← معلمات

اسم اشاره نزدیک برای جمع:

مذکر ← هؤلاء ← هؤلاء معلمون

مؤنث ← هؤلاء ← هؤلاء معلمات

اسم اشاره دور برای جمع:

مذکر ← اولئک ← اولئک معلمونَ

مؤنث ← اولئک ← اولئک معلمات

کلمات پرسشی ← کلماتی که در ابتدای جملات پرسشی عربی می آید برای پرسش کردن از چیزی یا کسی یا مکانی.

هل - أ ← به معنی آیا برای پرسش به کار می رود که در جواب، آن ها از نعم یا لا استفاده کنیم.

هل هذا کنزٌ کبیرٌ ← نعم، هذا کنزٌ کبیرٌ - لا، هذه قریةٌ جمیلةٌ

هرگاه اسم بعد از اسم اشاره (مشارالیه) «ال» داشته باشد مشارالیه و اسم اشاره با هم ترجمه می شود، اما اگر مشارالیه تنوین داشته باشد، جدا از هم ترجمه می شود.

هذا رمانٌ لذیذٌ. ← این، اناری خوشمزه است.

هذا الرمانٌ لذیذٌ. این انار، لذیذ است.

کلمه ی پرسشی مَنْ به معنی چه کسی یا چه کسانی است که برای پرسش از اشخاص به کار می رود.
مثال:

مَنْ أَنْتِ؟ أنا معلمةٌ.
مَنْ اولئک؟ اولئک معلمونَ.

«مَنْ هو؟» برای مذکرها و «مَنْ هی؟» برای مؤنث ها استفاده می شود.

مثال:

مَنْ هو؟ هو طالبٌ.
مَنْ هی؟ هی طالبةٌ.

کلمه ی پرسشی لِمَنْ به معنی مال چه کسی یا مال چه کسانی که برای پرسش از مالکیت استفاده می شود.

مثال:

لِمَنْ هذا الجوال؟ لِلضیف.

* در جواب پرسش هایی که با لِمَنْ انجام می شود از «ل» استفاده می شود.

کلمه‌ی پرسشی «ما» به معنی «چه، چیست؟» برای پرسش از چیزهای مختلف استفاده می‌شود.
مثال:

ما هذا؟ هذا قلم. ما هذه؟ هذه هدیة.

کلمه‌ی پرسشی «ما» به شکل «ماذا»، «ما هو» و «ماهی» نیز به کار می‌رود. «هو» و «هی» در «ما هو» و «ما هی» ترجمه نمی‌شود.

ماذا فی الغرفة؟ ما هو الموضوع؟ ما هی المسألة؟

کلمه‌ی پرسشی «أین» برای پرسش از جا و مکان کسی یا چیزی به کار می‌رود و در پاسخ آن از یکی از کلمات «فوق - جنب - خلف - أمام - هنا - هناك - علی - تحت - عند - فی - بین - حول - علی الیمین - علی الیسار» استفاده می‌شود.

مثال:

أین الطالب؟ الطالب فی المدرسة. - الطالب هنا. - الطالب خلف الباب.

فن ترجمه:

۱- من أين؟ ← در اصطلاح یعنی اهل کجا هستید؟

مثال:

من أين أنت؟ ← أنا ایرانی. - أنا من ایران.

۲- علیک بـ ← در اصطلاح یعنی بر تو لازم است که، یا تو باید ...

مثال:

علیک بالشکر. ← تو باید شکر کنی. - بر تو لازم است که شکر کنی.

کلمه‌ی پرسشی «کم» به معنی «چند» برای پرسش از کمیت و تعداد به کار می‌رود.
مثال:

کم کتاباً هنا؟ ثمانية

اعداد

اعداد در عربی صورت اصلی و ترتیبی است:

اصلی ← ۱ - ۲ - ۳ - ... واحد - اثنان - ثلاثة - ...

ترتیبی ← اول - دوم - سوم ... اول - ثانی - ثالث - ...

* اعداد ترتیبی بیان کننده رتبه و ترتیب است.

ضمیر ← کلمه‌ای است که به جای اسم می‌آید تا از تکرار آن جلوگیری کند.
 ضمیر هم در زبان فارسی و هم در عربی دو نوع است: منفصل (جدا) - متصل (پیوسته)
 در این درس با ضمیر منفصل آشنا می‌شویم.
 ضمیر منفصل ← ضمیری است که به تنهایی و مستقل به کار می‌رود.
 أنا (من) - أنتَ، أنتِ (تو) - هو، هی (او) - نحن (ما) - أنتم، أنتنَّ، أنتما (شما) - هم، هنَّ، هما (ایشان)
 مثال:

أنا معلمٌ. أنتم معلمونَ. هما معلمانَ.
 کلمه‌ی پرسشی «کَيْفَ» به معنی «چگونه» برای پرسش از حالت و چگونگی به کار می‌رود.
 مثال:

کَيْفَ حالک؟ أنا بخیر.

فن ترجمه:

ضمیر «هو» و «هی» می‌توانند برای غیر انسان نیز به کار روند که در این صورت به معنی آن است.
 مثال:

ما هو؟ هو بیتٌ. ما هی؟ هی نافذةٌ.

ضمیر متصل ← ضمیری که به تنهایی به کار نمی‌رود، بلکه همیشه به کلمه دیگری متصل می‌شود.
 مثال:

ما اسمک؟ اسمی فاطمة

ی (م) - ک، کِ (ت) - ه، هِها (ش) - نا (مان) - کم، کَنَّ، کما (تان) - هم، هِن، هِها (شان)
 مثال:

ذلک کتابی.

ضمیر متصل به دو صورت معنا می‌شود. مثال: هذه هدیّتك: این هدیه توست. - این هدیه‌ات است.
 بدانیم: گاهی ضمائر «ه - هِها - هم - هِن» به صورت «ه - هِها - هم - هِن» می‌آید.
 مثال:

کتابه - علیه

دو شکل دیگر فعل ماضی مناسب با ضمیر «أنا» و «نحن» می‌باشد. که این دو ضمیر و فعل آن‌ها هم برای مذکر و هم برای مؤنث به کار می‌رود.

أنا کَتَبْتُ. من نوشتم. نحن کَتَبْنَا. ما نوشتیم.

مریم: أنا جَلَسْتُ. سعید: أنا جَلَسْتُ.

مریم: نحن جَلَسْنَا. سعید: نحن جَلَسْنَا.

فعل ماضی منفی ← برای این که نشان داده شود، فعلی در زمان گذشته انجام نگرفته از حرف نفی «ما» استفاده می‌شود.

مثال: نَسِیَ ← فراموش کرد. ما نَسِیَ ← فراموش نکرد.

۱۴ شکل فعل ماضی به همین شکل منفی می‌شوند.

در این جا با رنگها، فصلها و ایام هفته آشنا می شویم.

رنگها ← أسود (سیاه) - أحمر (سرخ) - أزرق (آبی) - أخضر (سبز) - أبيض (سفید) - أصفر (زرد)

رنگها گاه به شکل دیگری هم به کار می رود که دانستن علت آنها فعلاً ضرورتی ندارد. سَوْدَاء - حَمْرَاء - زَرْقَاء - خَضْرَاء - بَيْضَاء - صَفْرَاء.

فصلها ← ربيع (بهار) - صيف (تابستان) - خريف (پاییز) - شتا (زمستان)

ایام هفته ← السَّبْت (شنبه) - الأحد (یکشنبه) - الإثنين (دوشنبه) - الثلاثاء (سهشنبه) - الأربعاء (چهارشنبه) - الخميس (پنجشنبه) - الجمعة (جمعه)

هم چنین کلمه‌ی پرسشی «أَيُّ» به معنی «کدام» و «چه» آشنا می شوید.

مثال:

نحن في أيِّ يومٍ؟ الأربعاء.

نحن في أيِّ فصلٍ؟ الصيف.

شما عزیزان در دروس گذشته با کلمات پرسشی نیز آشنا شدید.

ما هذا؟ هذا كتابٌ

ما (چیست) ← برای پرسش از غیر انسان به کار می رود. مثل: ما هذه؟ هذه نافذةٌ

هل (آیا) ← برای پرسش از همه چیز و همه کس به کار می رود و در پاسخ (هل) باید از (نعم یا لا) استفاده کنیم. مثل:

نعم، هذا كتابٌ.

هل هذا كتابٌ؟ >

لا، هذه محفظةٌ.

مَنْ هو؟ هو طالبٌ.

مَنْ (کیست) ← برای پرسش از انسان (شخص) به کار می رود. مثل: مَنْ هي؟ هي طالبةٌ.

نکته: در پاسخ (أَيْنَ) معمولاً از کلماتی مثل (فَوْقَ - تحت - جنب - خلف - عند - فی - أمام ...) استفاده می شود.

طرز ساخت فعل نفي در ماضی ← اضافه کردن «ما» به اول فعل ماضی

درس اول پایه‌ی هشتم دوره‌ی متوسطه‌ی اول، یادآوری دروس سال گذشته است:

۱- اسم اشاره

۲- کلمات پرسشی

۳- فعل ماضی

۴- ضمایر

۵- ترجمه و فن‌های ترجمه

۶- مترادف و متضاد

۷-

اسم اشاره > نزدیک ← هذا- هذه- هذان (هذین)- هاتان (هاتین)- هولاء
 دور ← ذلک- تلک- اولئک

ضمایر > منفصل ← انا - أنت - أنتِ - هو - هي - نحن - أنتم - أنتن - هما - هم - هن
 متصل ← ی - ک - کِ - ه - ها - نا - کما - کم - کن - هما - هم - هن

Drhs

کلمات پرسشی

ما ما هو
 ما ما هی
 ماذا
 أين
 من من هو
 من من هی
 لیمن
 هل - أ
 کم
 ای

فعل ماضی ← فعل هایی که بر زمان گذشته دلالت دارد. مثل کَتَبَ ← نوشت
 فعل ماضی ۱۴ شکل دارد.

مثال:

کَتَبْتُ
 کَتَبْتَ - کَتَبْتِ
 کَتَبْتُ
 کَتَبْتُمْ - کَتَبْتُنَّ
 کَتَبْتُ
 کَتَبْنَا - کَتَبْتُمْ - کَتَبْتُنَّ
 کَتَبْتُ
 کَتَبْنَا - کَتَبْتُمْ - کَتَبْتُنَّ



فعل مضارع، فعلی است که بر زمان حال و آینده دلالت دارد.

در فارسی مثل می روم- می خورید و

در زبان عربی، برای ساخت فعل مضارع یکی از حروف «أ - تَ - یَ - نَ» در ابتدای فعل ماضی اضافه شده و تغییراتی ایجاد می شود که به مرور در درس های آینده با آنها آشنا می شوید.

فعل های اول شخص و دوم شخص مفرد (فارسی) به زبان عربی:

مثال:

أنا أَكْتُبُ
 أنتَ تَكْتُبُ
 أنتِ تَكْتُبِينَ
 من می نویسم (یکسان برای مذکر و مؤنث)
 تو می نویسی (مذکر)
 تو می نویسی (مؤنث)

بیشتر کلمه‌هایی که بر آهنگ « فَعَلَ، فَعِلَ، فَعُلَ » هستند، فعل ماضی‌اند و کلمه‌هایی که بر آهنگ « يَفْعَلُ، يَفْعِلُ، يَفْعُلُ » هستند، فعل مضارع‌اند.

مثال:

ماضی	مضارع
أنا عَرَفْتُ	← أَعْرِفُ
أنتَ عَرَفْتَ	← تَعْرِفُ
أنتِ عَرَفْتِ	← تَعْرِفِينَ

فعل مستقبل یا آینده، یعنی فعلی که فقط بر زمان آینده دلالت دارد. برای همین در فارسی در ترجمه‌ی آن «خواه ...» می‌آید.

مثال: خواهم نوشت- خواهی نوشت و

در زبان عربی برای ساخت فعل مستقبل «س» یا «سوف» به اول فعل مضارع اضافه می‌شود.

مثال:

سَأَكْتُبُ، سوفَ أَكْتُبُ	← خواهم نوشت
سَتَكْتُبُ، سوفَ تَكْتُبُ	← خواهی نوشت
سَتَكْتُبِينَ، سوفَ تَكْتُبِينَ	← خواهی نوشت

افعال مضارع سوم شخص مفرد و اول شخص جمع (فارسی) در زبان عربی:

مثال:

ماضی	مضارع
هو كَتَبَ	← هو يَكْتُبُ (مذکر)
هي كَتَبَتْ	← هي تَكْتُبُ (مؤنث)
نحنُ كَتَبْنَا	← نحنُ نَكْتُبُ (ما می‌نویسیم)

کاربرد «ما»:

حرف «ما» در زبان عربی دو کاربرد دارد:

(۱) برای منفی کردن فعل ماضی ← ما كَتَبْنَا (ننوشتیم)

(۲) به معنی چیست و یک کلمه‌ی پرسشی است ← ما ذلک؟

فعل مضارع دوم شخص جمع (فارسی) در زبان عربی:
مثال:

ماضی	مضارع
أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ	← أَنْتُمْ تَكْتُبُونَ (شما می نویسید) (مذکر)
أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ	← أَنْتُنَّ تَكْتُبْنَ (شما می نویسید) (مؤنث)
أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ	← أَنْتُمْ تَكْتُبَانِ (شما می نویسید) (مثنی')

فن ترجمه:

۱- برای پاسخ به کلمه‌ی پرسشی «لماذا» به معنی «چرا» می توانیم با «لِأَنَّ» و یا «لِ» استفاده کنیم.
مثال:

لماذا تَذْهَبُ إِلَى الْمَسْجِدِ؟ لِعِبَادَةِ.

لماذا تَذْهَبِينَ إِلَى الْحَدِيقَةِ؟ لِأَنَّ الْجَوْحَارَ.

۲- حرف «لا» فعل مضارع را منفی می کند.

مثال:

أَنْتُمْ لَا تَذْهَبُونَ إِلَى الْحَدِيقَةِ. (شما به باغ نمی روید.)

فن ترجمه:

در صورتی که فعل در ابتدای جمله قرار گیرد و فاعل بعد از آن باشد، فعل همیشه مفرد به کار می رود حتی اگر فاعل آن مثنی' یا جمع باشد، اما در ترجمه‌ی فارسی به صورت جمع ترجمه می شود.
مثال:

يَرْجِعُ الطُّلَابُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ. دانش آموزان از مدرسه برمی گردند.

يَرْجِعُ الطُّالِبَانِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ. دانش آموزان از مدرسه برمی گردند.

رَجَعَتِ الطُّالِبَاتُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ. دانش آموزان از مدرسه برگشتند.

رَجَعُوا الرِّجَالُ مِنَ الْمَسْجِدِ. مردان از مسجد برگشتند.

تَرَجَّعَتِ النِّسَاءُ مِنَ الْمَسْجِدِ. زنان از مسجد برمی گردند.

کلمه‌ی پرسشی «متی»:

متی به معنی «چه وقت» برای پاسخ از زمان به کار می رود.
مثال:

متی ذَهَبْتَ إِلَى السُّوقِ؟ أَمْسَ.

متی تَذْهَبِينَ إِلَى السُّوقِ؟ غَدًا.

در جواب «متی» از کلماتی مثل: اليوم - أمس - غد - صباح - عصر - مساء - لیل - قبل سنتین - بعد أسبوعین - فی الشهر الماضي - فی الشهر القادم و استفاده می شود.

همانطور که در پایه‌ی هفتم خواندید، ترجمه‌ی چهار فعل عربی در فارسی یک فعل است.
مثال:

هم کتَبوا
هنَّ کَتَبْنَ
هما کَتَبَا
هما کَتَبْتَا

در مضارع نیز همین حالت وجود دارد و ترجمه‌ی این چهار فعل عربی در فارسی یک فعل است.
مثال:

هم یکتَبونَ
هنَّ یکتَبْنَ
هما یکتَبانِ
هما تکتَبانِ

کلمه‌ی پرسشی «کَيْفَ؟»:

«کَيْفَ» به معنی «چگونه» برای پرسش از چگونگی و حالت، به کار می‌رود.
مثال:

كَيْفَ دَهَبْتَ إِلَى السَّفَرِ؟ بِالسِّيَارَةِ.
كَيْفَ تَسْأَلُ الطَّالِبَةَ؟ مَسْرُورَةً.

فن ترجمه:

کلماتی مثل «عِنْدَ (به معنی: نزد) - لَ (به معنی: برای) - لَ (به معنی: برای)» گاهی برای مالکیت به کار می‌روند.
مثال:

لِي قَلَمٌ. قَلَمِي دَارِم.
عِنْدِي قَلَمٌ. قَلَمِي دَارِم.

نکته: تمام ضمایر متصل نیز مثل ضمایر منفصل چه در ماضی، چه در مضارع یکسان به کار می‌رود.
مثال:

أَنَا كَتَبْتُ دَرْسِي ← أَنَا أَكْتُبُ دَرْسِي

أَنْتَ كَتَبْتَ دَرْسَكَ ← أَنْتَ تَكْتُبُ دَرْسَكَ

هَمْ كَتَبُوا دَرْسَهُمْ ← هَمْ يَكْتُبُونَ دَرْسَهُمْ

اعداد اصلی (یادآوری):

سال گذشته با اعداد اصلی از ۱ تا ۱۲ آشنا شدید:

واحد - اثنان - ثلاثة - اربعة - خمسة - ستة - سبعة - ثمانية - تسعة - عشرة - احدی عشر - اثننا عشر
به ترتیب به معنی: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲

اعداد ترتیبی:

اول - دوم - سوم - چهارم - پنجم - ششم - هفتم - هشتم - نهم - دهم - یازدهم - دوازدهم
با اعداد ترتیبی در زبان عربی آشنا شوید:

مذکر: الأول - الثاني - الثالث - الرابع - الخامس - السادس - السابع - الثامن - التاسع - العاشر - الحادی عشر - الثاني عشر

مؤنث: الاولى - الثانية - الثالثة - الرابعة - الخامسة - السادسة - السابعة - الثامنة - التاسعة - العاشرة - الحادية عشرة - الثانية عشرة

بدانیم:

در فارسی با کلمات هم خانواده آشنا شده‌اید. یعنی کلماتی که سه حرف اصلی آن‌ها مشترک باشند.
در زبان عربی هم، چنین است و بسیاری از کلمات دارای سه حرف اصلی هستند.
مثال:

شریک - مشرک - مشاركة حروف اصلی این کلمات: «ش ر ک»

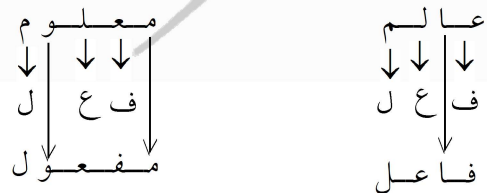
توجه: حروفی که همراه این حروف اصلی می‌آیند، حروف «زائد» نامیده می‌شوند.

در سال گذشته با آهنگ و وزن کلمه آشنا شدید.
امسال با دو وزن فاعل و مفعول آشنا می‌شوید.

مثال: کلماتی مانند عالم - شاکر - قادر، بر وزن فاعل هستند و کلماتی مانند مقدور - مشکور - معلوم، بر وزن مفعول هستند.

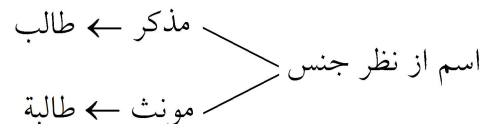
برای به دست آوردن این وزن‌ها، ابتدا سه حرف اصلی کلمه را به دست می‌آوریم. سپس حروف «فعل» را زیر این حروف اصلی قرار می‌دهیم و در مرحله‌ی بعد حروف زائد را در همان جایگاه خود به کلمه اضافه می‌کنیم و به این صورت وزن کلمه به دست می‌آید.

مثال:



یادآوری دروس سال هفتم و هشتم

الدّرس الاول



اسم از نظر تعداد:

- (۱) مفرد ← معلم، معلّمه
(۲) مثنی (ان - ین) ← معلمان، معلّمین
(۳) جمع: }
۱- مذکر (ون - ین) ← معلّمون - معلّمین
۲- مؤنث (ات) ← معلمات
مکسّر ← اولاد، طلاب

اسم اشاره:

- ۱- نزدیک ← مفرد: (هذا - هذه) - مثنی: (هذان - هاتان) - جمع: هؤلاء
۲- دور ← مفرد: (ذلک، تلک) - جمع: اولئک

کلمات پرسشی:

- ۱- ما (چه چیزی، چیست) ← ما هو، ما هی
۲- ماذا (چه چیزی، چیست)
۳- اَیْنَ (کجا)
۴- مَنْ (چه کسی) ← مَنْ هو، مَنْ هی
۵- لِمَنْ (برای چه کسی است) (برای کیست)
۶- هَلْ، أ (آیا)
۷- کَم (چند)
۸- کِیْفَ (کدام)
۹- مَنِ اَیْنِ (اهل کجا)

در سال هفتم با فعل ماضی و ضمائر و در سال هشتم با فعل مضارع و مستقبل آشنا شدیم.
یادآوری:

فعل ماضی: فعلی که بر انجام کار یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت دارد. مانند:
دَهَبَ ← رفت
کَتَبَ ← نوشت

ضمیر: کلمه است که جانشین اسم می شود تا از تکرار آن جلوگیری کند. مانند:
هو ← او
أنت ← تو

مثال در جمله ← عَلِيٌّ جَاءَ وَ هُوَ كَتَبَ الرِّسَالَةَ.
→

ماضی منفی: برای منفی کردن فعل ماضی از حرف «ما» استفاده می کنیم. مانند:
هِيَ نَظَرَتْ (او نگاه کرد) ← هِيَ مَا نَظَرَتْ (او نگاه نکرد)

فعل مضارع: فعلی که بر انجام کار یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت دارد. مانند:
يَذْهَبُ ← می رود
يَكْتُبُ ← می نویسد

مضارع منفی:

برای منفی کردن فعل مضارع از حرف «لا» استفاده می‌کنیم. مانند:

هی تَنْظُرُ (او نگاه می‌کند). ← هی لَا تَنْظُرُ (او نگاه نمی‌کند)

فعل مستقبل: فعلی است که بر انجام کار یا روی دادن حالتی در زمان آینده دلالت دارد که با اضافه کردن «س» یا «سوف» به اول فعل مضارع ساخته می‌شود. مانند: سوف يَذْهَبُ یا سَيَذْهَبُ ← خواهد رفت

نکته: تمام افعال ماضی، مضارع، مستقبل ۱۴ شکل دارند که در سال‌های گذشته خواندید.

الدّرس الثّانی:

وزن کلمات:

بیشتر کلمات در زبان عربی وزن دارند.

برای شناخت وزن کلمات باید بدانیم:

۱- بسیاری از کلمه‌ها در عربی سه حرف اصلی دارند و حروف همراه با حروف اصلی (ریشه) را حروف زائد می‌گویند. مثال:

ناصر ← ن ص ر ← حروف اصلی و حرف «الف» ← حرف زائد

منصور ← ن ص ر ← حروف اصلی و حروف «م» و «و» ← حروف زائد

۲- کلماتی که دارای سه حرف اصلی مشترک هستند را در زبان فارسی هم خانواده می‌گویند. مانند: نَصِير، انصار، منصور، ناصر

۳- برای شناخت حروف اصلی کلمات می‌توان به هم‌خانواده‌های یک کلمه مراجعه کرد.

مثال: راحم - مرحوم - رحيم - أرحم ← با توجه به این کلمات سه حرف اصلی یا ریشه «ر - ح - م» می‌باشد.

۴- بعد از شناخت حروف اصلی یا ریشه، این حروف به ترتیب با سه حرف «ف ع ل» سنجیده می‌شوند.

وزن
مثال: راحم ← فاعل
↓ ↓ ↓
ف ح ل
مرحوم ← مفعول
↓ ↓ ↓
ف ع ل

۵- معمولاً کلماتی که بر وزن فاعل هستند به معنای انجام‌دهنده یا دارنده‌ی حالت است و کلماتی که بر وزن مفعول هستند به معنای انجام شده است. مثال:

عابد ← عبادت‌کننده
مَعْبُود ← عبادت شده

الدّرس الثّالث:

فعل امر: فعلی است که دستور به انجام دادن کار است. فعل امر از فعل مضارع ساخته می‌شود. به فعل‌های زیر دقت کنید و تفاوت آن‌ها را بیابید.

تَذْهَبُ ← می‌روی
تَذْهَبِينَ ← می‌روی
إِذْهَبْ ← برو
إِذْهَبِي ← برو
مَذْكَر ← مؤنث

نکته: در فعل امر حرف مضارعه یعنی «ت» حذف می‌شود و به جای آن الف مضموم یا مکسور قرار می‌گیرد و آخر فعل نیز مجزوم می‌شود یعنی اگر آخر فعل حرکت ضمه دارد سکون می‌شود و اگر «ن» دارد حذف می‌شود.

نکته: الف مضموم یا مکسور ابتدای فعل امر با توجه به حرکت دومین حرف اصلی فعل مضارع، حرکت می‌گیرد. اگر دومین حرف اصلی «ه» بود الف، ضمه می‌گیرد و اگر «و» بود الف، کسره می‌گیرد.
مثال: تَنْصُرُ ← أَنْصُرُ
تَغْسِلِينَ ← إغْسِلِي

الدّرس الرابع:

در ادامه‌ی فعل امر در این درس با فعل‌های امر دوم شخص جمع آشنا می‌شوید.

تَذْهَبَانِ ← می‌روید	إِذْهَبَا ← بروید
تَذْهَبُونَ ← می‌روید	إِذْهَبُوا ← بروید
تَذْهَبْنَ ← می‌روید	إِذْهَبْنَ ← بروید

نکته: قبلاً در فعل امر متوجه شدید که آخر فعل امر مجزوم است یعنی اگر ضمه است تبدیل به سکون و اگر «ن» است حذف می‌شود. لازم است بدانید در جمع مؤنث هیچ‌گاه «ن» حذف نمی‌شود.
مثال: تَشْكُرْنَ ← أَشْكُرْنَ

الدّرس الخامس:

فعل نهی: فعلی که بازداشتن از انجام کاری را طلب می‌کند. فعل نهی مانند امر از فعل مضارع ساخته می‌شود. به فعل‌های زیر دقت کنید و تفاوت آن‌ها را بیابید.

تَذْهَبُ ← می‌روی	لَا تَذْهَبُ ← نرو
تَذْهَبِينَ ← می‌روی	لَا تَذْهَبِي ← نرو

نکته: آخر فعل نهی نیز فعل امر مجزوم می‌شود یعنی اگر آخر کلمه حرکت ضمه داشت سکون می‌شود و اگر «ن» داشت حذف می‌شود.

نکته: فعل نهی را با نفی نباید اشتباه گرفت فعل مضارع منفی (نفی) مجزوم نمی‌شود ولی نهی مجزوم می‌شود.

الدّرس السادس:

در ادامه‌ی فعل نهی در این درس با فعل‌های نهی دوم شخص جمع آشنا می‌شوید.

تَذْهَبَانِ ← می‌روید	لَا تَذْهَبَا ← نروید
تَذْهَبُونَ ← می‌روید	لَا تَذْهَبُوا ← نروید
تَذْهَبْنَ ← می‌روید	لَا تَذْهَبْنَ ← نروید

نکته: همان‌طور که در فعل امر متوجه شدید حرف «ن» از آخر فعل جمع مؤنث حذف نمی‌شود. در فعل نهی نیز همین قاعده وجود دارد.

الدّرس السّابع:

ترکیب وصفی، ترکیب اضافی:

ترکیب وصفی (موصوف و صفت): موصوف اسمی است که همراه با یک ویژگی می‌آوریم و آن ویژگی بیان شده صفت نامیده می‌شود. و به چنین ترکیبی موصوف و صفت می‌گویند.

مثال: الطّفْلُ الصّغیرُ / طِفْلٌ صغیرٌ
↓ ↓ ↓ ↓

موصوف صفت موصوف صفت

نکته: موصوف و صفت در تعداد (مفرد و مثنی و جمع بودن)، حرکت آخر کلمه، جنس (مذکر و مؤنث بودن)، ال یا تنوین داشتن از هم پیروی می‌کنند. مثال:

المعلّمُ المَجْتَهِدُ	المعلّمةُ المَجْتَهِدَةُ
المعلّمانُ المَجْتَهِدانُ	المعلّماتُ المَجْتَهِداتُ
المعلّمونَ المَجْتَهِدونَ	

نکته: در صورتی که ترکیب وصفی همراه ضمیر باشد در عربی ضمیر به موصوف می‌چسبد ولی در ترجمه‌ی فارسی ضمیر به صفت اضافه می‌شود. مثال: بنتی العزیزة ← دختر عزیزم

ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه): مضاف: اسمی که به اسم بعد از خودش نسبت داده می‌شود که به اسم بعد از خودش مضاف‌الیه می‌گویند. مثال:

کتابُ الطّالِبِ ، کتابُ الطّالِبةِ
↓ ↓ ↓ ↓

مضاف مضاف‌الیه مضاف مضاف‌الیه

الدّرس الثّامن:

ماضی استمراری: نشان‌دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است. در عربی کان + فعل مضارع ← ماضی استمراری است. مثال: کان یذهب ← می‌رفت

الدّرس التّاسع:

ساعت‌شماری: ساعت‌شماری عربی تا اندازه‌ای شبیه فارسی است. برای ساعت‌شماری سه حالت وجود دارد. ساعت کامل، مانده به ...، گذشته از ...

مثال: السّاعَةُ الرَّابِعَةُ تماماً (ساعت چهار تمام) - السّاعَةُ الرَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعاً (ساعت یک ربع به چهار) - السّاعَةُ الرَّابِعَةُ وَ الرَّبْعُ (ساعت چهار و ربع) - السّاعَةُ التّاسِعَةُ وَ النّصْفُ (ساعت ۹ و نیم)

فراتر از کتاب: در زبان عربی به ۲۰ دقیقه «ثلث» گفته می‌شود. مثال: السّاعَةُ التّاسِعَةُ إِلَّا ثَلَاثاً (ساعت بیست دقیقه به نه)

الدّرس العاشر:

اعداد اصلي و اعداد ترتيبی:

در سال گذشته با اعداد اصلي و ترتيبی تا ۱۲ آشنا شديد در اين درس بار ديگر تکرار می شود.

اعداد اصلي: واحد، اثنان، ثلاثة، أربعة، خمسة، ستة، سبعة، ثمانية، تسعة، عشرة، أحد عشر، اثنان عشر

اعداد ترتيبی:

مذكر ← الأول، الثاني، الثالث، الرابع، الخامس، السادس، السابع، الثامن، التاسع، العاشر، الحادي عشر، الثاني عشر

مؤنث ← الاولى، الثانية، الثالثة، الرابعة، الخامسة، السادسة، السابعة، الثامنة، التاسعة، العاشرة، الحادية عشر، الثانية عشر